

برای شادی فاطمه (س)



● کلر ژوبرت
● تصویرگر: عاطفه ملکی‌جو



گنجشک کوچولو روی درخت خُرما نشست. به مامان گنجشک گفت: «امروز از پیامبر (ص) مهربان شنیدم: «هر کس فاطمه (س) را خوش حال کند، بابای فاطمه (س) را هم خوش حال کرده است.»

مامان گنجشک گفت: «چه جالب! کاش ما هم می‌توانستیم فاطمه (س) را خوش حال کنیم! گنجشک کوچولو گفت: «حُب، شاید راهی باشد!» و دوباره پَر کشید و رفت. کمی بعد برگشت و گفت: «یک فکر خوب پیدا کردم. می‌خواهم خانه‌ی فاطمه (س) را به گنجشک‌های گرسنه‌ی بیرون شهر نشان بدهم.»

مامان گنجشک پرسید: «آخر برای چه؟ مگر نمی‌خواستی فاطمه (س) را خوش حال کنی؟» گنجشک کوچولو خندید و گفت: «چرا! برای همین رفتم پیش مورچه‌های خانه‌ی فاطمه (س).» مورچه‌ها گفتند: «فاطمه (س)، وقتی به کسی کمک می‌کند، خیلی خوش حال می‌شود. برای همین، می‌خواهم چند گنجشک گرسنه را پیش فاطمه (س) ببرم تا او به آن‌ها گندم بدهد.»

مامان گنجشک گفت: «من با تو می‌آیم.» و دوتایی به بیرون شهر پَر کشیدند.

احقاق‌الحق، ج ۱۰، ص ۲۱۷